

## قربانی هوسرانی مادر



سرگرد  
سمانه مهربانی  
همان اجتماعی پلیس  
تپش آگاهی تهران بزرگ

مرد جوان فقدان و فرار همسرش را به اداره چهارم پلیس آگاهی اعلام کرد و رفت. افسر پرونده همان‌طور که از دور مرد را با نگاهش بدرقه می‌کرد، گفت: بیچاره تمام زندگی‌اش را سر یک دلسوزی ساده باخته است.

باتعجب گفتم: ماجرا چیست؟ افسر گفت: چند ماه قبل از سر دلسوزی اجازه می‌دهد خواهرزاده‌اش به نام مجید از شهرستان برای کار به تهران بیاید و در خانه‌اش ساکن شود. چند وقتی که از حضور مجید در خانه شاکی می‌گذرد، مرد متوجه زخم‌ها و کبودی‌های بی‌دلیل روی بدن فرزندش می‌شود و هربار که از همسرش در مورد علت کبودی‌ها می‌پرسد، جواب درستی نمی‌شوند.

تا این‌که یک بار که فرزندش را برای معاینه نزد پزشک می‌برد، متوجه می‌شود این زخم‌ها به خاطر زمین خوردن موقع بازی نیست و پس از کنکاش، حساسیت و بررسی شرایط خانه، بالاخره متوجه راز تلخی که پشت پرده زندگی مشترکش در جریان بود، می‌شود.

همسرش دور از چشم او با مجید طرح رفاقت می‌ریزد و هربار که قصد داشتند با یکدیگر خلوت کنند، فرزندش را به زور داخل سرویس بهداشتی و حمام زندانی می‌کرده و زخم‌های روی بدن کودک خردسال، نتیجه مقاومت و تلاش وی برای بیرون آمدن از آنجا بوده است. با برملاشدن راز کثیف زن و مرد خیانتکار، هر دو اقدام به فرار می‌کنند. حالا شاکی به اینجا آمده و فقدان همسرش را اعلام کرده است.

فکرش را بکنید الان چه شرایطی توی این خانواده حکمفرماست. از یک طرف زندگی مشترک شاکی به هم خورده و از طرفی مرد چطور می‌تواند رابطه عادی گذشته را با خانواده خواهر خود داشته باشد. وضعیت بسیار بدی است. همه‌اش هم به خاطر هوسرانی یک زن و مرد که به عواقب رفتارهای اشتباه خود فکر نکردند.

## نظریه کارشناس

برخی افراد گمان می‌کنند توصیه‌های اسلام درخصوص حفظ حریم بین زن و مرد، زیاده‌روی و ناشی از حساسیت بی‌دلیل است اما وقوع اتفاقاتی از این دست در خانواده‌ها که افراد را دچار مشکلات لاینحل و گرفتاری در مسیری غیرقابل جبران می‌نماید، نشان می‌دهد اتفاقاً این توصیه‌ها بی‌دلیل نبوده و حفظ حریم و فاصله، نه تنها در زندگی و روابط اجتماعی که در فضای زندگی شخصی و ارتباطات فامیلی نیز لازم و ضروری است.

## مهندسی معکوس برای دستگیری سارقان

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از انجام مهندسی معکوس برای دستگیری سارقان خبر داد و گفت: پلیس با دستگیری مالخران به شناسایی و دستگیری سارقان می‌پردازد.

سردار علی ولیپور گودرزی گفت: در بررسی‌های پلیس مشخص شد برخی از واحدهای صنفی بدون اطلاع از سرقتی بودن جنس دست دوم به خریدوفروش آن اقدام می‌کنند؛ بر همین اساس با هماهنگی‌های انجام شده با برخی صنوف مانند طلافروشی‌ها، گوشی‌فروشی‌ها و...، دفترچه‌هایی به آنها

تحویل داده و مقرر شد هنگام خریدوفروش اموال دست دوم، اطلاعات شخصی فرد فروشنده را در آن ثبت کنند.

وی افزود: در بازدیدهای دوره‌ای همکارانم از صنوف، این دفترچه‌ها بررسی می‌شود و در صورت مشاهده هرگونه مورد مشکوکی، این مسأله مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: از آنجا که برخورد با مالخران بسیار

تعاادلیم برهم نخورد و بتوانیم فرار هم کنیم. مثل بنایی که می‌داند چطور آجر پرت شده را بگیرد.

## ۱. در همه سرقت‌ها موفق بودی؟

تقریباً در ۹۸ درصد سرقت‌ها موفق بودم و حین سرقت به طعمه آسیب نمی‌رساندم. این قدر حرفه‌ای هستم که با یک انگشت هم بتوانم کیف را بگیرم و فرار کنم.

## ۲. اعتیاد داری؟

متادون و شیشه مصرف می‌کنم.

## ۳. چقدر هزینه مصرف مواد است؟

روزی ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان مواد مصرف می‌کنم. بستگی به درآمد و حالم دارد که چقدر بخرم و مصرف کنم.

## ۴. چند فقره سابقه داری؟

۹ فقره سابقه کفیری دارم.

## ۵. چند سال زندان بودی؟

۳۰ سال دارم و ۱۰ سال هم زندان بودم. یک سوم عمر من پشت میله‌های زندان گذشته است.

## ۶. اولین جرمی که انجام دادی چه بود؟

اولین جرمی که انجام دادم سرقت بود.

## مجید غمخوار سارق حرفه‌ای کابل تپش برق و کیف‌قاپ است

اما دلیل مشهور شدنش روش عجیب او در باز کردن پابند و بستن آن به پای یک حیوان برای رد گم کردن است. سابقه‌دار است و در گفت‌وگو با تپش از شگرد سرقت‌هایش می‌گوید. در ادامه روایت این سارق حرفه‌ای از کیف‌قاپی‌هایش را می‌خوانید.

## ۱. به چه اتهامی دستگیر شدی؟

کیف‌قاپی و سرقت کابل برق.

## ۲. از چه زمانی شروع به کیف‌قاپی کردی؟

چهار سال قبل از زندان آزاد شدم. یک سال به خودم استراحت دادم و از سه سال قبل سرقت را دوباره شروع کردم. ابتدا کیف‌قاپی می‌کردم و بعد به سرقت کابل رو آوردم. این اواخر هر دو را همزمان انجام می‌دادم.

## ۳. روزی چند سرقت انجام می‌دادی؟

بستگی داشت، ولی روزی دو تا سه سرقت را حتماً انجام می‌دادم.

## ۴. از هر سرقت چقدر پول گیرت می‌آمد؟

از هر سرقت بین یک تا سه میلیون به دست می‌آوردم. بستگی داشت داخل کیف چه باشد.

## ۵. مگر داخل کیف پول نقد بود؟

بعد از سرقت کیف داخلش را می‌گشتم اگر کنار کارت بانکی رمز بود، آن را خالی می‌کردم. اگر گوشی رمز نداشت از داخل گوشی رمز را پیدا می‌کردم و بعد به مالخر می‌فروختم.

## ۶. هنوز کنار کارت بانکی رمز آن را می‌گذارند؟

در برخی سرقت‌ها رمز کارت کنارش نوشته شده بود و از این طریق کارت را خالی می‌کردم.

## ۷. چطور کارت را خالی می‌کردی؟

خرید می‌کردم. عابر بانک دوربین دارد و تصویر را می‌گیرند. بیشتر در پاتوق خلافکاران کارت می‌کشیدم تا به مشکل برنخورم.

## ۸. طعمه‌های سرقت را چگونه شناسایی می‌کردی؟

در سطح شهر چرخ می‌زدم و وقتی خانمی کیف دستش بود که تکان می‌داد یا احساس می‌کردم داخل کیف پر است، چند دقیقه‌ای تعقیبش می‌کردم و بعد در فرصتی مناسب کیف را از دستش می‌قاییدم.

## ۹. نمی‌ترسیدی تک نفره حین سرقت تعادلت را از دست داده زمین بخوری یا دستگیر شوی؟

بالاخره سارق حرفه‌ای هستم و این را بلدم چگونه کیف را سرقت کنم که

## روایت سارق حرفه‌ای برای رهایی از پابند

۱۸ ساله بودم که کیف‌قاپی دونفره انجام دادیم و دستگیر شدم.

## ۱. پس این بار که دستگیری شدی اولین بارت نبود که کیف‌قاپی می‌کردی؟

درسته! اشتباه کردم آخرین بار بود.

## ۲. چه شد سراغ کیف‌قاپی رفتی؟

با دوستم در خیابان سوار موتور بودیم و پول نداشتیم. او گفت شنیدم برخی کیف‌قاپی می‌کنند و پولدار می‌شوند. گفتم من پشت فرمون هستم تو اگر می‌توانی بزن که او یک کیف قاپید و فرار کردیم و همین سراغ از ورود من به این جرم شد.

## ۳. چرا کابل دزد هم شدی؟

این اواخر قیمت مس، انفجاری بالا رفت و به فکر کابل دزدی افتادم. اگر جای خلوتی کابلی آویزان بود، آن را می‌کشیدم و سرقت می‌کردم.

## ۴. کابل دزدی را تنهایی می‌کردی؟

گاهی یک نفره، گاهی هم با دو دوستم به سرقت می‌رفتیم.

## ۵. نمی‌ترسیدی قربانی برق گرفتگی شوی؟

در هنرستان فنی و حرفه‌ای برق خواندم و تکنسین برق بودم و نمی‌ترسیدم.

## ۶. وقتی کار فنی بلد بودی چرا سراغ رشته‌ات نرفتی؟

وقتی پول راحت به دست می‌آوری، هیچ وقت سراغ کار سخت نمی‌روی.

## ۷. مردم چکار کنند گرفتار کیف‌قاپ‌ها نشوند؟

خانم‌ها به هیچ وجه با کیف‌شان در خیابان بازی نکنند و آن را نچرخانند. این سارق را وسوسه می‌کند که کیف را سرقت کند. به هیچ وجه رمز کارت را کنارش یا داخل دفترچه یادداشت ننویسند.

موبایل را حتماً رمز بگذارند که اگر سارق، آن را روشن و خاموش کرد و رمز را نزند، گوشی ریست شود، در غیر این صورت با یک‌سری کارها می‌شود اطلاعات داخل گوشی را بازیابی و به رمزها و اطلاعات دسترسی پیدا کنیم. مردم معمولاً بیش از چهار کارت بانکی دارند و نمی‌توانند رمز همه را حفظ کنند و داخل گوشی این رمزها را ذخیره می‌کنند.

## ۸. با پابند الکترونیکی آزاد بودی، چطور شناسایی نشدی؟

بله پابند داشتم که آن را بریدم و به پای حیوانی در محل زندگی‌مان بستم که تردد دارد. این‌گونه توانستم راحت هر جای شهر راحت بروم و سرقت کنم.

## ۹. چگونه دستگیر شدی؟

ماموران پلیس آگاهی ساعت ۳ بامداد در گشت‌زنی مشکوک شدند و دستگیر کردند.